

چیزهایی که به ذهن آدم می‌رسند. مثال‌های سخت‌ترش هم وجود دارد که هم خود شما می‌دانید، هم مردم می‌دانند و هم مدیران. نقش مثبت حریمی دارد که شما باید این حریم را حفظ کنید چون نقش‌های مثبت در کشور ما نقش‌هایی هستند که از نظر مدیران باید قابل دفاع باشند.

در پایان اگر نکته ناگفته‌ای مانده، خوشحال می‌شویم که مطرح کنید.

امیدوارم آثاری از نوع «بی‌نشان» بیشتر ساخته شود. امیدوارم مردم از این کار لذت برده باشند. من، جدا از دستمزدی که برای نقش می‌گیرم، تمام خواسته‌ام این است که مردم نقش را بیسندند. باور بفرمایید تا روز آخری که از نظرات مردم استفاده می‌کنم و نظرات مردم به سمت من برمی‌گردد، استرس دارم. این استرس آن قدر است که بعضی وقت‌ها حتی ممکن است به من صدمه بزند همان‌طور که صدمه هم زد و سر کار آقای سعید سلطانی روانه بیمارستان شدم و برگ اصلی قلبم را استند کردند. خود دکترها هم می‌دانستند که همفایش به خاطر استرس است. تنها استرسی که برای من به وجود می‌آید برای کار است و سرچشمه آن هم این است که تمام افکار من این است که اگر مردم این کار را دوست نداشته باشند چه می‌شود. پس سعی و هم و غم من این است که این کار و این بازی را مردم دوست داشته باشند و از آن استفاده کنند. بسیار خوشحالم که «بی‌نشان» دارد دیده می‌شود. الان به دو، سه شهرستان رفته‌ام و بر خورد مردم را در خیابان دیده‌ام. این که سریال را دنبال می‌کنند خوشحالم می‌کند و این، استرس من را از بین برده و من را تشویق می‌کند که کارهای آینده را با تلاش و کوشش بیشتری آغاز کنم. باز هم از مردم ممنونم که سریال ما را می‌بینند.

پس، شاید بشود گفت برخلاف بعضی‌های دیگر، این مردمی بودن برای شما خیلی مهم است.

از قدیم به ما می‌گفتند: «بازیگر یا هنرمند باید با مردم باشد اما داخل مردم نباشد.» من می‌گویم نه. اتفاقاً بازیگر باید داخل مردم باشد اما شاید گاه با مردم نباشد. چون ممکن است یک وقت مردم اشتباه کنند و من نمی‌خواهم آن اشتباه را بکنم. وقتی عده‌ای اشتباهی می‌کنند، آن‌ها هم جزو مردم هستند. من هم جزو مردم هستم، مسئولان هم جزو مردم هستند. اما به این اعتقاد دارم که هنرمند باید داخل مردم باشد. موادی که از آن برای شارژ شدن، پیش رفتن و رشد کردن و بهتر کار کردن استفاده می‌کنیم، همه‌اش از داخل مردم درمی‌آید. نباید داخل کتاب‌ها دنبالش بگردیم چون نویسنده‌های آن کتاب‌ها هم آن مواد را از داخل مردم در آورده‌اند. بنابراین، با تمام احترامی که برای هنرمندان قائلم، من داخل مردم را خیلی بیشتر دوست دارم. دوست دارم با مردم باشم و با آن‌ها خوش‌وبش کنم. این یکی از لذت‌های من در زندگی است.



دست بازیگر برای نقش‌های مثبت، به خصوص در کشور ما، بیسته‌تر است. در این شرایط بازیگر باید خیلی هشیوارانه و آهسته و پیوسته حرکت کند. چون شما اگر کوچک‌ترین بعدی به شخصیت دهید که قابل باور نباشد یا درون دنیای آن نقش جا نگیرید، به نظر من شکست می‌خورید

من این است که بازیگر، البته اگر چهره‌اش در راه قابل باور بودن نقش مانع ایجاد نکند، می‌تواند نقش‌های مختلفی را بازی کند. با این وجود باید چارچوب‌ها را بشناسد: دنیای کمدی و طنز را بشناسد، دنیای تراژدی را هم بشناسد. شناخت این دنیاها برای بازیگری که دارد در آن دنیا کار می‌کند بسیار مهم است.

با توجه به تنوع طیف شخصیت‌هایی که بازی کرده‌اید، به‌طور کلی بازی در نقش‌های مثبت را چالش برانگیزتر می‌دانید یا بازی در نقش‌های منفی را؟

برای بازیگری که به کار خود و به بیننده اهمیت می‌دهد، هر دو می‌تواند سخت باشد. شما اگر نقش کمدی را هم بد بازی کنید و قابل باور نباشد، بیننده تان را از دست می‌دهید. در مورد نقش‌های مثبت و منفی هم همین‌طور. اما دست‌بازیگر برای نقش‌های مثبت، به‌خصوص در کشور ما، بیسته‌تر است. در این شرایط بازیگر باید خیلی هشیوارانه و آهسته و پیوسته حرکت کند. چون شما اگر کوچک‌ترین بعدی به شخصیت دهید که قابل باور نباشد یا درون دنیای آن نقش جا نگیرید، به نظر من شکست می‌خورید. بنابراین هر چند هر دو سخت است اما در نقش‌های منفی دست‌بازیگر با تر است. صرفاً به‌عنوان یک مثال، شما در نقش مثبت نمی‌توانید سیگار بکشید در حالی که ممکن است یک نقش مثبت هم سیگاری باشد. یا مثلاً در قالب یک نقش مثبت در کشور ما، شما نمی‌توانید خیلی با یک نفر از جنس مخالف گرم بگیرید ولی در نقش منفی این امکان وجود دارد. خیلی از مسائل دیگر وجود دارد. این‌ها فقط مثال‌های ساده‌ای بودند و اولین

هستند هم مواعی وجود داشته باشد که دست ما را در خیلی از مواقع ببندد. شما اگر با آقای رزاق کریمی یا آقای قویدل هم صحبت کنید می‌گویید که یک سری جاها را تکرار کردیم یا دیالوگ‌هایی را عوض کردیم تا مشکلی پیش نیاید. ولی من می‌گویم این مسائل که مشکلی پیش نیاید و به کسی برنخورد را باید کمتر کنیم. این سریال شاید شروعی برای رسیدن به آن نقطه باشد. شاید مسئولان به‌آرامی بخواهند جلو بروند و نخواهند یک‌دفعه تضادی را ایجاد کنند که جامعه دچار بحران شود.

با وجود این که بازی شما در آثار «چون آگه بابام زنده بود» و «مرد هزار چهره» با استقبال مواجه شد، کمتر در نقش‌های کمدی ظاهر شده‌اید. آیا علاقه چندانی به بازی در این نوع نقش‌ها ندارید یا پیشنهاد مناسبی به شما نشده؟

نه. اتفاقاً در کار آقای دهنمکی («آزادی مشروط») با این که شخصیت مثبتی را بازی می‌کنم اما سعی کرده‌ام در همان دنیای طنز و کمدی آن شخصیت را بازی کنم. آن کار بسیار با نقش‌های دیگر متفاوت است و مثل «آگه بابام زنده بود» و «مرد هزار چهره»، کار آقای دهنمکی هم کار طنز است و فکر می‌کنم مردم هم دوستش داشته باشم. نقش کمدی پیشنهاد می‌شود. خود من سعی می‌کنم خیلی خودم را درگیر این چارچوب‌ها نکنم. ممکن است پنج نقش جدیدی بازی کنم و یک نقش کمدیک. ممکن است مثلاً یک نقش منفی بازی کنم و سه نقش مثبت. مثلاً در برخی از همکاری‌هایم با آقای سعید سلطانی نقش منفی بازی کرده‌ام. حرف